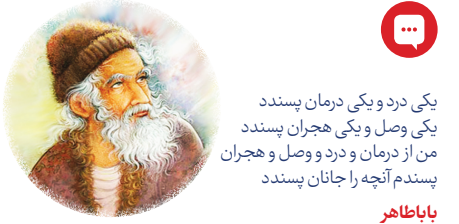


ایران

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی طلب
- **سردبیر:** حسام الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی) ● مهدی مهرپور (اقتصادی)
- **زیرین رستمی وند (اجتماعی)**

- **بنفشه غلامی (جهان)**
- **لیدا فخری (اندیشه)** ● محمدرضا عزیزی (گزارش)
- **زهرا کشوری (زیست بوم)** ● فرزاد قلعه‌دار (حوادث)
- **مهدی کلهرنژاد (اجرابی)**
- **حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)**
- **محسن جانی پور (ویراستاری)**
- **ابوالفضل نسایی (عکس)**

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۴۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پیامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۳ روابط عمومی ● **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۵۳۲۸۸-۵۳۲۸۷ ● **امور مشتریان:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه انزو ۹۰۱۰ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۸۸۷۷۰۱۱۲۱
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۴۸۸۹۲۰



یکی درد و یکی درمان پسندد
یکی وصل و یکی هجران پسندد
من از درمان و درد وصل و هجران
پسندم آنچه را جانان پسندد

باباطاهر



سخن‌روز

امام حسین (ع):

خداوند! مرا به وسیله احسان دچار فریفتگی مگردان و با گرفتاری ادبم مکن.
بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷، ج ۹

نگاره

آزادی نزدیک است



نقل قول

باید فاصله خودمان را با کودکان و نوجوانان کوتاه‌تر کنیم



یادداشت

موسیقی، پژواک حق (۲)



محسن نفر
آهنگساز
مدرس موسیقی
و نوازنده

گفتیم موسیقی ۱- پژواک حق است ۲- یا پژواک باطل است و یا ۳- پژواک حقی است که در دست باطل است! پژواک حق است، یعنی باطن موسیقیدان صفوا و زلال است و طنین حق در آن سایه انداخته و با ساز در جهان انعکاس یافته. ۲- پژواک باطل است، یعنی از درون مغشوش و آلوده موسیقیدانی منعکس می‌شود که طنین باطل در آن سایه افکنده و مشوب به لهو و لغو و گمراهی است. ۳- پژواک حق، ولی در دست باطل است. یعنی طنین حق که از باطن زلال و صاف موسیقیدانی به جهان منعکس شده، به ظلم و سرق، در اختیار باطلی قرار گرفته و در دست ناهل است. در مورد نخست، سخن به حد کفایت، نسبتاً گفته شد. در مورد دوم، موضوع، واضح و مسبوق است. اگر صرفاً به دید مصرف و آلت عیش و خوشی به موسیقی (هنر) نگاه شود، از آن جز کبریت احمرعیش و غفلت برنماید. این نظر که موسیقی و هنر، برای خوشی و خوشگذرانی است، از نظریه هنر برای تفریح و بازی و سرگرمی برمی‌خیزد. اگر موسیقی برای تفریح و سرگرمی باشد، با آن به عنوان امری شوخی، اضافی، غیر ضروری و وسیله خوشی و خوشگذرانی مواجه می‌شود. امر شوخی، امری غیر ضرور است. چرا؟ برای اینکه خلقت، هستی، وجود، زندگی، عمر... همه جدی اند. ما شوخی زنده نیستیم که به شوخی مشغول باشیم. هر قدر هم وجود و زندگی را شوخی بگیریم، سختی‌ها و صعوبت بودن و زیستن، ما را به جدیت بودن و زندگی، ناآل می‌کند. شوخی، ارزش رنج و سختی و محرومیت را ندارد. زندگی با ما شوخی ندارد. هر قدر که ما آن را شوخی بدانیم. اصلاً شوخی، در سایه جدی (یت) معنا دارد و هست. شوخی، برای آسان کردن جدی است. شوخی برای تحمل جدی است. شوخی، حیاط خلوت جدی است، اگر جدیت در کار وجود و زیستن نبود شوخی پدید نمی‌آمد و رخ نمی‌داد. پس هستی و زیستی، جدی است و هر کار جدی، سخت و پرنز و صعوبت است. اصلاً سختی و رنج، فرزند جدی (یت) است. شوخی که سختی ندارد. چرا؟ زیرا تعهد و مسئولیتی در آن نیست! هر کس شوخی می‌کند، خود را در سایه بی‌تعهدی و عدم مسئولیت قرار می‌دهد! پیشاپیش، خود را از هر مسئولیت و تعهدی آزاد می‌کند! شوخی کاران و شوخی بازان، هر کاری را با طیب خاطر انجام می‌دهند و خود را از هر آسیب و عقوبتی، معاف می‌دانند (می‌کنند)! گفتار و کردار دلگنان هم از همین نوع است. هر حرفی را به هر شخصی بچا و بیچا می‌گویند و تحت لوی شوخی و بذله، خود را مصون می‌بینند. اگر هم گاهی جزای گفتار و کردار می‌بینند، از آن روست که طرف مقابل، با شوخی آنها، جدی برخورد می‌کند! یعنی شوخی آنها را جدی می‌گیرد! اگر شوخی را جدی بگیریم، دیگر مزاج، معنا ندارد. زیرا با شوخی، شوخی مواجه نشدی. اصلاً شوخی مواجه شدن با شوخی،

یکی از عوامل مهم در ارتباط با تولید اثر برای کودکان، این است که فاصله خودمان را با کودکان و نوجوانان کوتاه‌تر کنیم و به آنها نزدیک‌تر شویم تا اثری که تولید می‌شود قدری منطبق با کسانی باشد که در این زمان زندگی می‌کنند. هنرمندی که امروز یک اثر را تولید می‌کند در زمانی دورتر ایده‌اش را شکل داده است و امکان دارد با زاویه‌ای دیگر دنیا را نگاه کند اما بچه‌ها درگیر اکنون زمان خود هستند و این موضوع برای تولید یک اثر برای بچه‌ها بسیار مورد اهمیت است. در خصوص بخش تئاتر نوجوان بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان نیز باید بگویم یکی از موضوعات مهمی که در جشنواره باید مدنظر قرار گیرد این است که هنرمندان پس از اجرای اثرشان به شهرشان برمی‌گردند و فرصت و فضا، گردهمایی، نقد و بررسی و حضور در کلاس‌های پیرامون جشنواره را از دست می‌دهند که این موضوع به نظرم روند توسعه و رشد را ابتر می‌کند.

بخشی از صحبت‌های حمید گلی عضو شورای انتخاب بخش تئاتر نوجوان بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان با مهر

یعنی بی‌اهمیت بودن در مقابل آن. حتی اگر با شوخی، برخورد شوخی هم کنی، یعنی آن را شوخی نگرفته‌ای و با آن جدی برخورد کرده‌ای. منتهای سبک و سباق شوخی. اصلاً مواجهه و برخورد، به دلیل جدیت و اصالت آن است. اصل در عالم جدیت و جدی بودن است. شوخی هم خود، اگر چه واکنش غیر متعدهانه است، اما مقصود جدی دارد. هیچ کس شوخی نمی‌کند الا اینکه مقصود جدی در آن دارد. یا به نفی و یا به اثبات. یعنی یا تو را نفی می‌کند و یا اثبات. اما به سبک شوخی و بذله! پس شوخی هم به قصد و مقصود جدی اتفاق می‌افتد! در واقع شوخی، باطنی جدی دارد. کاری است که در ظاهر شوخی است ولی حملش جدی است. هم حملش جدی است و هم محمولش.

کاری جدی که به رسم دیگری اتفاق می‌افتد. رسمی که جدی خوانده نمی‌شود. پس شوخی، جدی‌ای است با رسم غیر آن. یعنی اگر رسم جدی عوض شود، تغییر به شوخی می‌شود. پس همه حرف در رسم است. همان که امروزه به سبک، شکل، هیأت، چهارچوب، ساختار... تغییر می‌شود. اگر جدی را به غیر رسم آن انجام دهی، شوخی محسوب می‌شود! اما در واقع هیچ شوخی در عالم وجود ندارد. زیرا هیچ شوخی، در باطن شوخی نیست! هیچ شوخی، باطنی غیر جدی ندارد. در هیچ شوخی، غیر جدی مشاهده نمی‌شود. زیرا باطن و مدلول آن، به چیزی دلالت دارد. هر چه که دلالت گر است، جدی است. زیرا راهنما به چیزی است. اگر تو به چیزی دلالت می‌کنی، آن مقصود توست و می‌خواهی آن را موضوع حملت قرار دهی! این کاربرد شوخی نیست! مقصود، شوخی نیست. قصد آدمی، شوخی نیست! نحوه اعلام و اعلان آن می‌تواند شوخی باشد (شوخی تلقی شود)، ولی قصد و مقصود، شوخی نیست. هر قدر هم که اصرار بر شوخی بونش شود، ظاهر به شوخی است. نه اینکه شوخی است! پس حاصل آن که:

- ۱- شوخی، عملی بی‌تعهدانه و غیرمسئولانه است
 - ۲- شوخی، رسمی دارد که به دلیل آن شوخی تلقی می‌شود
 - ۳- شوخی، معمولی جدی و مقصودی مهم در بطن دارد و هیچ کاره‌می، شوخی نیست. ۴- اصلاً همه چیز جدی است، حتی شوخی و اصل در عالم، جدیت و جدی بودن و جدی انگاری است. حتی شوخی گران، جدی شوخی می‌کنند.
- چون به شوخی و شوخی کردن، جدی نگاه می‌کنند و آن را برای پیشبرد مقاصد، مؤثر و مفید می‌دانند و جدی به آن می‌پردازند. پس جدی شوخی می‌کنند. خب با این احوال نظر به موسیقی (و هنر) به صورت امری شوخی، تفریحی و غیر جدی دیگر چه معنایی دارد؟ اگر شوخی، جدی است و اگر همه چیز جدی است و اصل بر جدیت است، تفریح و بازی از آن مستثنی است! ورزش و برد و باخت شوخی است؟

اصل در عالم جدیت و جدی بودن است. شوخی هم خود، اگر چه واکنش غیر متعدهانه است، اما مقصود جدی دارد. هیچ کس شوخی نمی‌کند الا اینکه مقصودی جدی در آن دارد. یا به نفی و یا به اثبات. یعنی یا تو را نفی می‌کند و یا اثبات. اما به سبک شوخی و بذله! پس شوخی هم به قصد و مقصودی جدی اتفاق می‌افتد!

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدل موفق رسانه‌های بزرگ و موفق، بزرگ و موفق، نیست که در ایران شاهدش هستیم. در هنر نیز چنین است. در پژوهش‌های هنری و فرهنگی هم، رسانه‌ای هم، اوضاع بسیار بدتر است. پژوهشگر حتی ثانیه‌ای نمی‌تواند به این موضوع فکر کند که برای پژوهش‌اش سرگراش بیابند و سفارش بد دهند و نتیجه عملی اغلب پژوهش‌ها هم، مشخص است

مدرسه نیشگون با طعم خوراکی

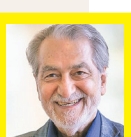
فرهاد حسن‌زاده اثر تازه خود خبر داده با عنوان «مدرسه نیشگون» و در این باره با باز نشر صفحه انتشارات هویا آورده است: «اگه بخوایم کتاب‌ها رو به خوراکی تشبیه کنیم، باید بگیم «مدرسه نیشگون» به بستنی ایتالیایی ۲۳۲ اسکوپ شیرین و خوشمزس که تا حالا هیچ جایی نخوردین! هر صفحه از این کتاب به طعم خاص داره و با همه کتاب‌هایی که تا الان خوندين فرق می‌کنه... پس منتظر خوردنی تازه هویا باشید.» نویسنده این کتاب فرهاد حسن‌زاده است با تصویرگری لاله ضیایی که برای گروه سنی ۱۰+ تولید شده است.

حکایت همچنان باقیست

مجید انتظامی آهنگساز نام‌آشنای موسیقی ایران و برنده سیمرغ بلورین چهل و دومین جشنواره فیلم فجر در بخش آهنگسازی در صفحه مجازی خود از دست اندرکاران این کار تشکر کرده و در این باره نوشته: «به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست. خواستم از این طریق تشکر کنم از تمامی کسانی که در ساخت این موسیقی همراهی ام کردند و کنار بودند. از تمامی نوازندگان و بچه‌های استودیو سورنا و حمیدرضا آداب عزیزم که بابت ضبط این اثر بسیار زحمات کشیدن تشکر می‌کنم. همچنین تشکر ویژه دارم از آقایان عباس نادران و مهدی شاه‌محمدی عزیزم که به من اعتماد کردند و موسیقی این کار را به من سپردند. ممنونم از آقای علیرضا علویان تازنین صداگزار محترم مجنون بابت حمایت‌ها و کمک‌های بی‌دریغشان. ممنونم از تمامی گروه بازیگران که با بازی‌های بی‌نقصشان الهام بخش من بودند. این چند ماه در کنار این دوستان بسیار حال خوبی رو تجربه کردم.»



فرهاد حسن‌زاده



فرهاد حسن‌زاده



فرهاد حسن‌زاده

عکس نوشت



عکس: ایران تئاتر